

مصاحبه با یک زن کارگر "گوشه کوچکی از مشکلات کارگران چینی اشکان"

آژانس ایران خبر

شنبه بیست ششم مرداد ۱۳۸۷



مصاحبه خبرنگار آژانس ایران خبر با یکی از زنان

شاغل در کارخانه چینی اشکان

در پی اخبار دریافتی از مشکلات عدیده موجود در کارخانه چینی اشکان و کارگران این کارخانه، خبرنگار آژانس ایران خبر در طی مصاحبه ای با یکی از کارگران زن این کارخانه، مشکلات موجود را، از قول این کارگر، اینگونه تشریح کرد: من یکی از کارگران کارخانه چینی اشکان هستم که در قسمت

زدن لعاب کار میکنم، به رغم سنگینی کار و گرمای زیادی که در این قسمت وجود دارد ولی به دلیل مشکلات، از روی اجبار تمامی این موارد را تحمل میکنم.

در این کارخانه فشار زیادی روی کارگران است، از جمله اینکه، کارگران نه بیمه هستند و نه گروه بندی شده اند، تقریباً ۱۰ ماه است که حقوق نگرفته ایم، روزانه ۱۲ ساعت کار میکنیم ولی هیچ گونه خدماتی از طرف کارخانه برای کارگران در نظر گرفته نمی شود، از جمله، برای تردد کارگران هیچگونه سرویس رفت و آمدی اختصاص داده نشده است، به طوری که کارگران مجبورند بخش زیادی از حقوق را ماهانه به ترددات و کرایه ماشین خود اختصاص دهند، مثلاً من روزی ۱۳۰۰ تومان کرایه ماشین می دهم.

این کارگر ضمن بیان فشارهای اقتصادی موجود، ادامه داد:

من خودم تامین هزینه يك خانواده را برعهده دارم، تامین هزینه سه بچه و کرایه خانه که ماهانه ۱۰۰ هزار تومان است، بنابراین ناچارم برای تامین این هزینه چند شیفته کار کنم، مثلاً چند روز پیش برای اضافه کاری تا صبح کار کردم، ولی در انتها گفتند نیاز به نیرو نداریم، این موضوع باعث فرسودگی جسمی و انواع بیماری های روحی، در من شده و به لحاظ جسمی در وضعیت بدی هستم، از آنجایی که بیماری صرع هم دارم، تحمل این درد برایم غیرممکن شده است، حتی به دلیل نداشتن بیمه، توان خرید داروهایم را هم ندارم.

این زن جوان کارگر در ادامه صحبت های خود گفت:

من سی چهار سال سن دارم و به دلیل همین مشکلات، از آنجایی که باید هزینه های کل خانواده ام را هم تقبل کنم، هنوز ازدواج نکرده ام، هیچ تصویری از آینده خود ندارم، هیچ امیدی هم به آینده ندارم، هر روز با استرس و فشار روحی ناشی از این مشکلات از خواب بیدار میشوم، صبح زود، تنها، از شهرک جانبازان حرکت میکنم تا به کارخانه برسم، تقریباً یکی از نگرانیهای ثابت مادرم این است که اتفاقی برای من نیفتد، هر روز صبح زود که برای آمدن به کارخانه از خانه حرکت

میکنم با نگرانی میگوید : سپردمت به فاطمه زهرا...

نمی دانم آینده من چه میشود، آخر جواب این مشکلات را از چه کسی باید بگیریم؟ با هزار بدبختی ماهانه ۳۰۰ هزار تومان حقوق میگیرم، که اکثر اوقات هم ماهها پرداخت آن به تاخیر می افتد، مشکل اجاره خانه یکی از اصلی ترین مشکلات است ، سالانه اجاره خانه ها بالا میرود، نمی دانم امسال دیگر کجا برویم، فکر کنم با این درآمد، باید در خیابان چادر بزنیم.

الان نه ماه است که من کرایه خانه نداده ام، علاوه بر این قسط هم دارم.

کاش يك نفر می آمد این مشکلات ما را از نزدیک می دید...

تقریبا يك سال رفتم در کارخانه دیگری کار کردم، يك مهندس از ترکیه در این کارخانه بود که میگفت:

من دلم برای بچه های ایران می سوزد.

چرا بچه های ترکیه تا طرح می زنند و کار میکنند، باید آبشان حل باشد، خوابشان حل باشد، بیمه شان حل باشد، بعد هم، يك میلیون و ۵۰۰ هزار تومان طی دو هفته بگیرند ولی جوانان ایران باید جان بکنند و طرح بزنند و این میزان کم پول بگیرند، آنهم بدون هیچ کدام از مزایایی که ترکیه ای ها می گیرند.

ایران که این همه نفت دارد نباید فقیر داشته باشد. چرا این قدر باید ایرانی ها بدبخت باشند و این همه مرگ و میر زیاد باشد واقعا دلم میسوزد...

این کارگر زن، سپس به بیان بخش دیگری از شرایط دشوار زندگی خود پرداخت و ادامه داد:

الان مادرم مریض است و پدرم هم نمی تواند کار بکند، خواهر و برادرم هم بیماری صرع دارند، از طرفی هیچ کس حتی به حرفها و مشکلات ما گوش نمی دهد، کارفرما وعده میدهد ولی به هیچ کدام عمل نمی کند، چند وقت پیش بهانه آوردند که باید لیسانس داشته باشید و برای این کار افرادی که لیسانس دارند و تحصیل کرده هستند بهتر کار میکنند، ما که مدتها بود کار کرده بودیم و کار را یاد گرفته بودیم اعتراض کردیم، گفتند باید بروید بیرون و قرارداد امضا کنید، به ناچار بیرون آمدم و مدتی در شرکت ایران کل بودم که آن جا هم به خاطر طرح طبقه بندی شکایت کردم، در آن جا همه پولهایشان را گرفتند و برای من زدند ۲۵۰، بعد تشخیص خواستند، حل اختلاف خواستند، تا اینکه به دیوان عدالت در تهران رفتم، گفتند بایداز جانبازان بگیرید، برایم ۴۵۰ هزار تومان زدند ولی وقتی برادرم برای گرفتن آن رفت، گفتند ۶ ماه دیگر بیایید و بعد از ۶ ماه هم گفتند ما نمی دهیم و پول را ندادند.

ما باید حرفمان را کجا بزنیم؟ چکار باید بکنیم؟ این تازه گوشه کوچکی از مشکلاتی است که روزانه با آن دست و پنجه نرم میکنیم ولی هیچ کس پاسخگو نیست...

"برای حفظ امنیت مصاحبه شونده از بردن نام ایشان معذوریم"

آژانس ایران خبر

۱۳۸۷/۵/۲۶